حادثه‌ها

## وکیل قلابی دستگیر شد

● رئیس‌پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی غرب استان تهران از دستگیری یک وکیل قلابی خبر داد. سرهنگ منصور خدادادی دراین‌باره گفت: مدتی قبل به دنبال ارجاع چند فقره گزارش و شکایات مردمی به پلیس آگاهی مبنی بر کلاهبرداری یک نفر از شهروندان تحت عنوان وکیل، بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی با اشاره به اخذ مجوزهای لازم برای رسیدگی به این موضوع از سوی مقام قضائی، ادامه داد: در تحقیقات مأموران مشخص شد متهم خود را یکی از وکلای حرفه‌ای و دارای نفوذ در سیستم قضائی کشور معرفی کرده اما پس از دریافت مبالغی از شهروندان ارتباط خود را با آنان قطع کرده است. رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی غرب استان تهران با بیان اینکه مأموران اقدامات خود را آغاز و پس از چند روز کار اطلاعاتی و اقدامات فنی و پلیسی مخفیگاه وی را در شهریار شناسایی کردند، اظهار کرد: مأموران پس از اخذ دستورات لازم قضائی متهم را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند. خدادادی با اشاره به انجام بازجویی از متهم افزود: متهم در بازجویی‌های اولیه ابتدا منکر ارتکاب جرم بود اما پس از مواجه‌شدن با دلایل و مدارک جمع‌آوری‌شده و شواهد چاره‌ای جز بیان حقیقت ندید و به کلاهبرداری از شهروندان با هدف کسب منفعت اعتراف کرد. رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران با بیان اینکه متهم دستگیرشده مبلغ یک‌میلیاردو ۷۳۰ میلیون ریال از شهروندان کلاهبرداری کرده بود، خاطرنشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد.

## کارون جان ۲ معلم را گرفت

● دو معلم اهل باوی عصر یکشنبه در رودخانه کارون در شوشتر غرق شدند. مجید موحدیان مدیر آموزش‌وپرورش شهرستان باوی در خوزستان بیان کرد: دو معلم به نام‌های رحمان علیمی و جلیل محمودی ساعت ۱۸ یکشنبه در رودخانه کارون در شوشتر غرق شدند. وی گفت: زمانی که یکی از معلمان در رودخانه در حال غرق‌شدن بود، معلم دیگر برای نجات وی وارد رودخانه شد اما هر دو آنها غرق شدند. مدیر آموزش‌وپرورش شهرستان باوی افزود: سه معلم و همکار عصر یکشنبه به همراه خانواده‌هایشان به شوشتر رفته بودند که دو معلم غرق شدند و خبر غرق‌شدن نفر سوم صحت ندارد. موحدیان در ادامه بیان کرد: جسد رحمان علیمی پیدا شده و جسد جلیل محمودی هنوز پیدا نشده است. وی بیان کرد: علیمی معلم شهر ملاثانی و محمودی معلم شهر ویس از توابع شهرستان باوی بودند و هر دو در مقطع متوسطه اول و دوم تدریس می‌کردند.

ادامه از صفحه ۱۲

## ورزشکاران موظفند فهرست را بررسی کنند

علاوه بر این خود ورزشکار هم می‌تواند به سایت سازمان ضددوپینگ مراجعه کند و از فهرست این مواد مطلع شود. البته موارد مشابه دیگری هم ممکن است پیش بیاید ازجمله اینکه ممکن است فردی مدعی شود من از ترکیبی استفاده کردم که روی بسته‌بندی یا برچسب و بروشور این ماده وجود چنین ماده نیروزای غیرمجازی ذکر نشده است و من ندانسته این ماده را مصرف کردم و در نتیجه بی‌تقصیرم که همان‌گونه که گفتم کسی به چنین توجیهاتی توجه نمی‌کند زیرا ندانستن، رفع‌کننده مسئولیت نیست. به بیان دیگر ورزشکاری که در بالاترین سطح رقابت‌های کشوری یا بین‌المللی شرکت می‌کند، حتما باید از محصولات شرکت‌های معتبر استفاده کند که تمام مواد تشکیل‌دهنده دارو یا مکمل ذکر شده باشد یا با هماهنگی پزشک تیم باشد.

**فرض کنید ورزشکاری از ماده نیروزا استفاده کرده باشد. اثرات و نشانه‌های مصرف این ماده تا چه زمانی در بدن شخص می‌ماند؟ به بیان دیگر تا چه زمانی می‌توان با انجام آزمایش پی برد که وی از ماده نیروزا استفاده کرده است؟**

این موضوع به‌شدت به نوع ماده مصرف‌شده بستگی دارد. به همین دلیل در علم پزشکی از یک ویژگی به نام نیمه‌عمر برای تشخیص مواد واردشده به بدن استفاده می‌کنند که به مفهوم مدت‌زمانی است که نیمی از یک ماده خاص از خون پاک می‌شود و برای هر ماده زمان خاصی است. با توجه به اینکه ماندگاری این مواد در بدن متفاوت است، برخی افراد متقلب هم به دنبال راهی برای فریب آزمایشگاه‌ها هستند.

**یکی از مهم‌ترین تقلب‌های دوپینگی، ماجرای دوپینگ «لنس آرمسترانگ» دوچرخه‌سوار آمریکایی بود. چرا تشخیص دوپینگ او این همه طول کشید؟**

زیرا او از یک روش دوپینگ بسیار پیشرفته به نام دوپینگ خونی استفاده می‌کرد. انجام این کار به آزمایشگاه‌های بسیار پیشرفته و متخصصان خبره نیاز دارد که افراد بسیار کمی در دنیا به آن دسترسی دارند. در نظر داشته باشید حتی این روش دوپینگ پیشرفته نیز تا ابد مخفی نماند و بالاخره روزی اسرار آن برملا شد.

### گفت‌وگو با مردی که با اهدای اعضای برادرش موافقت کرد

# می‌گفتند اعضای بدن برادرم را فروخته‌ایم

**شرق، شاهد حلاج‌نیشابوری:** محمدرضا دلدار که پس از سه سال سخت برادر خود را از دست داد، حرف‌ها و شایعاتی را که پس از اهدای عضو برادرش در مراسم ختم به گوشش رسید آزاردهنده‌تر از دوران بیماری برادرش می‌داند ولی می‌گوید او و خانواده‌اش برای رضای خدا اهدای عضو کردند. گفت‌وگوی خبرنگار ما را با این مرد ۴۵ساله در ادامه می‌خوانید:

**برادرتان چند سال داشت، شغلش چه بود و آیا ازدواج کرده بود؟**

برادرم مجتبی ۳۴ سال داشت و متأهل بود اما فرزندی نداشت. سه سال قبل برادرم به‌دلیل سردردهای شدید و ادامه‌دار به پزشک مراجعه کرد و معلوم شد تومور مغزی دارد. پس از آن شیمی‌درمانی را شروع کرد و با پرتودرمانی ادامه داد و در نهایت به اصرار من عمل جراحی را که آخرین راه بود، قبول کرد. البته پزشکان این درمان را پیشنهاد ندادند ولی به‌هرحال آخرین راه بود که انجامش را پذیرفت. چاره دیگری هم وجود نداشت؛ چون پزشکان تقریبا قطع امید کرده بودند. برای همین من از او خواستم به خاطر خودش و خانواده کاری انجام دهد که او هم پذیرفت جراحی شود اما بعد از آن بود که دیگر به هوش نیامد. بعد از عمل چهار، پنج روز را در آی‌سی‌یو بود و پس از آن اعلام مرگ مغزی کردند و برای طرح موضوع اهدای عضو آمدند.

**چه شد که تصمیم به اهدای عضو گرفتید؟**

من با همسر برادرم صحبت کردم و او به من گفت برادرم شفاهی این موضوع را به او گفته است. بعد هم که پزشکان موضوع را با ما مطرح کردند، همسر برادرم همان موقع رضایت خود را اعلام کرد و من هم گفتم مقدمات انتقال برادرم را برای اهدای عضو فراهم کنند و بعد هم که پدر و مادرم آمدند، موضوع را با آنها مطرح کردیم و آنها هم پذیرفتند.

**دلیل اینکه تصمیم به اهدای عضو گرفتید، چه بود؟**

این موضوع یک بحث اعتقادی است؛ خدا گفته «اگر یک نفر را نجات دهی، همه جامعه را نجات داده‌ای»؛ بعد هم نظر مراجع را برای پدر و مادرم بیان کردیم. این در حالی بود که نمی‌دانستیم چه اعضایی را برمی‌دارند و درنهایت یک نفر عاقبت به خیر می‌شد. از طرفی من با توجه به روحیات پدر و مادرم می‌دانستم مخالفتی نمی‌کنند و می‌دانستم چقدر عذاب کشیده بودند. این را هم باید بگویم که در جامعه ما تبلیغ درست و کافی درباره این موضوع نشده است و موضوع تا جایی برای ما ادامه پیدا کرد که در ختم یک کلمه هم از اهدای عضو نگفتیم، چون گفتند اعضا را فروخته‌اند. به نظر من باید اطلاع‌رسانی بیشتری انجام و نظر مراجع توضیح داده شود. این موضوع تا حدی برای جامعه ناشناخته است که

برادر من سومین مورد اهدای عضو در چناران است و نوزدهمین مورد در مشهد و فکر کنم هشتصدوچندمین مورد در کل کشور. مثلا دومین مورد اهدای عضو چناران برادر همکار خودم بود. اگر این موضوع در جامعه درست جا بیفتد، خانواده‌ها راحت‌تر می‌توانند دست به چنین اقدامی بزنند. مثلا خود ما در مراسم تدفین خیلی آزرده‌خاطر شدیم و خواستیم در مراسم عنوان نشود اهدای عضو کرده‌ایم، هرچند ما این کار را برای رضای خدا کردیم و موضوع به صورت بازنشده مانده بود. آن‌قدر شایعه و حرف و حدیث بود که کلا منصرف شدیم. به هر حال پدرم بیش‌از ۷۰ سال دارد و مادرم هم سنش بالاست؛ نمی‌خواستم این حرف‌ها به گوششان برسد تا اتفاق بدتری نیفتد.

**چه اعضایی از بدن برادر شما اهدا شد؟**

ما فقط فرم را امضا کردیم و از جزئیات بعدی خبر نداریم، اما در سایت زده بودند چهار عضو، دو کلیه، ریه، کبد و قسمتی از پوست. امیدوارم افرادی که اعضا را دریافت کرده‌اند، سلامت باشند و مایه خوشحالی و خدابیامرزی برای برادرم باشد.

**آیا شما قبل از این اتفاق درباره اهدای عضو چیزی می‌دانستید؟**

جسته‌گریخته آشنا بودم اما الان در سایت ثبت‌نام کرده و فرم‌هایی را گرفته‌ام. در کل فکر می‌کنم باید چرایی استقبال‌نکردن از موضوع از سوی متخصصان فقهی و شرعی بررسی شود، به‌هرحال مراجع این کار را قبول کرده‌اند؛ به همین دلیل من همه اعضای خود را اهدا و همه را به این کار تشویق می‌کنم. از نظر پزشکی هم باید روی موضوع کار شود؛ چون ۴۸ ساعتی که بیمار مرگ مغزی در بیمارستان است افرادی تصور می‌کنند احتمال دارد فرد به زندگی بازگردد که این تقریبا غیرممکن است. اگر تبلیغات مؤثری در این زمینه انجام شود، افراد دیالیزی و بسیاری از بیماران که در گوشه‌ای از بیمارستان‌ها عذاب می‌کشند، زندگی بهتری خواهند داشت. البته باید بحث مالی هم به‌نوعی مرتفع شود چون بسیاری از بیماران به دلیل هزینه‌هایی که پرداخته‌اند، توان مالی‌شان به‌شدت کاهش یافته است. مهم‌تر از آن اهمیت جاافتادن اهدای عضو پس از مرگ مغزی، زمانی بیشتر می‌شود که به یاد بیاوریم فقط کلیه است که از افراد زنده می‌توان آن را برای افراد نیازمند و گاهی با پرداخت پول تأمین کرد اما درباره بقیه اعضا حتما باید از افراد مرگ‌مغزی‌شده برداشت.

**درباره واکنش اطرافیان بیشتر توضیح دهید.**

همان‌طور که گفتم بحث فروش را مطرح کردند و باعث شدند غم و درد ما بیشتر شود. از یک طرف غم ازدست‌دادن برادرم و از طرف دیگر زخم‌زبان‌ها و صحبت‌هایی که می‌شد ما را آزار می‌داد. حتی برخی موضوع را با خود من مطرح کردند که سعی کردم قانعشان کنم. برخی موارد را هم دهان‌به‌دهان شنیدم و در نهایت گفتم هر که هرچه می‌خواهد بگوید؛ ما در راه خدا این کار را کردیم.

**توصیه شما به افرادی که ممکن است در شرایط مشابه قرار بگیرند، چیست؟**

به‌هرحال ممکن است شرایط مشابه مرگ مغزی برای هر کسی اتفاق بیفتد، اما امیدوارم اتفاق نیفتد. مرگ و زندگی در دست خداست و تمام دنیا هم نمی‌توانند فردی را که در شرایط مرگ مغزی قرار گرفته است، به زندگی بازگردانند. در چنین شرایطی می‌توان با اهدای عضو جان افرادی را نجات داد. حرف دیگرم با افرادی است که اعضا را دریافت می‌کنند. درست است که بعد از اهدای عضو به‌نوعی عضو بدن آنها محسوب می‌شود اما به‌هرحال عضو بدن متوفی مرگ‌مغزی‌شده هم محسوب می‌شود. برای همین از افرادی که اعضای بدن برادر من در بدن آنهاست می‌خواهم کار ثواب و خیر انجام دهند و از این اعضا خوب استفاده کنند.

## اعتراض به تبرئه قاتل کودک ۱۰ساله

**شرق:** پسر جوانی که در اقدامی جنون‌آمیز کودک همسایه را به قتل رسانده بود، از نظر پزشکی قانونی بیمار روانی تشخیص داده شد و دادسرا قرار موقوفی تعقیب برای او صادر کرد، اما اولیای‌دم به این رأی اعتراض کردند. به گزارش خبرنگار ما، پرونده این کودک ۱۰ساله سه‌شنبه دهم شهریور سال قبل با کشف پیکر خونین او به جریان افتاد. وقتی بازپرس همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد، با جسد سپهر روبه‌رو شد. بررسی‌ها نشان داد مقتول با ضربه چاقو از ناحیه گردن به طرز دلخراشی به قتل رسیده است. تحقیقات حکایت از آن داشت که مقتول هنگام برگشت از نانوایی در نزدیکی خانه‌شان از سوی قاتل ناشناسی به قتل رسیده است. بررسی‌های اولیه نشان داد قاتل پسر بچه ۱۰ساله، پسر جوانی با لباس آبی‌رنگ بوده است. پس از این مأموران تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری متهم آغاز کردند تا اینکه با بررسی دوربین‌های محله، مأموران توانستند پسر جوانی را که با چاقویی خونی در حال فرار از محله بود، شناسایی و سه روز بعد وی را دستگیر کنند. متهم که اشکان نام دارد در تحقیقات به قتل سپهر اعتراف کرد و در ادعایی گفت: من معتاد به شیشه‌ام. روز حادثه صدایی به من گفت چاقو را از آشپزخانه بردار و به خیابان برو. وقتی به خیابان رفتم سپهرکوچولو را آنجا دیدم. او را در رؤیاهایم قبلا هم دیده بودم. همان صدا به من دستور داد او را بکشم. باور کنید چیزی از صحنه جنایت به خاطر ندارم و نمی‌دانم سپهرکوچولو را چگونه کشته‌ام.

هرچند در ابتدا پزشکی قانونی متهم را مسئول اعمال خودش تشخیص داد، اما عنوان کرد او دچار مشکلات روانی است. با این حال، پرونده به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و وکیل متهم درخواست تشکیل کمیسیون پزشکی قانونی کرد. در این جلسه متخصصان اعلام کردند با توجه به شدت بیماری مرد متهم، او نمی‌تواند مسئول اعمال خودش باشد و این نظریه از سوی کمیسیون دیگر نیز به تأیید رسید و دادسرا نیز قرار موقوفی تعقیب صادر کرد اما پرونده با اعتراض مادر مقتول به‌عنوان ولی‌دم پرونده به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. این زن در لایحه‌ای که به دادگاه نوشته، آورده است به این نظریه اعتراض دارد، چراکه قبلا پزشکی قانونی متهم را مسئول اعمال خود تشخیص داده بود اما اگر دادگاه نیز به این نتیجه رسید که متهم مسئول اعمال خودش نیست، درخواست دیه دارد از آنجایی‌که سپهر به‌جز مادرش ولی‌دم دیگری هم دارد و او پدرش است، برگه انحصار وراثت در پرونده سپهر موجود نیست. هرچند پدر سپهر به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شده است اما به‌عنوان ولی‌دم دراین‌باره باید درخواست خود را ارائه دهد. بنابراین برای مشخص‌شدن موضوع، پرونده یک‌بار دیگر به دادسرا بازگردانده شد تا بازپرس پدر سپهر را نیز احضار کرده و نظرش را دراین‌باره بگیرد. همچنین دادسرا موظف شد از طریق اولیای‌دم برگه انحصار وراثت را نیز روی پرونده قرار دهد. بعد از تکمیل پرونده و ارسال آن به دادگاه، قاضی قربانزاده و مستشارانش دراین‌باره تصمیم‌گیری می‌کنند.

## قتل‌عام خانوادگی به خاطر یک مشت طلا

قاتلانی که سه نفر از اعضای یک خانواده را در شهرستان بندرترکمن به قصد سرقت طلا به قتل رسانده بودند، با تلاش پلیس استان شناسایی و دستگیر شدند.

پلیس شهرستان کردکوی، چهارم تیر امسال جسد یک زن را در جنگل‌های محور «درازنو» کشف کرد؛ پس از کشف جسد، تحقیقات مأموران در محل ادامه داشت و فردای آن روز، جسد پسر جوانی در حوالی محلِ کشف جسد اول، شناسایی و کشف شد.

پس از کشف این دو جسد و با توجه به وضعیت نامناسب و متلاشی‌شدن جنازه‌ها، اجساد برای تحقیقات تخصصی به پزشکی‌قانونی منتقل شد که پس از اثربرداری و آزمایشات دی‌ان‌ای، موضوع در سامانه جامع نیروی انتظامی برای کشف حقیقت و به‌دست‌آمدن سرنخ‌های مختلف، ثبت شد. در تاریخ ۱۲ تیر سال جاری نیز جسد زن ۶۱ ساله به نام «ز. خ» پس از ۱۲ روز در شهرستان بندرترکمن در منزلش کشف شد. تحقیقات نخست پلیس آگاهی حاکی از آن بود که این زن به همراه دختر و نوه‌اش زندگی می‌کرده است و آنها مفقود شده بودند.

با توجه به اینکه این خانواده با هیچ‌یک از بستگان خود ارتباط نداشتند و کاملا مستقل زندگی می‌کردند، موضوع مفقودشدن آنها نیز به پلیس گزارش نشده بود و این امر، کشف ارتباط بین قتل‌ها را برای پلیس آگاهی با مشکل مواجه کرد.

با تحقیقات تخصصی مأموران پلیس آگاهی، مشخص شد اجساد کشف‌شده مربوط به اعضای یک خانواده است. درواقع اجساد پیداشده در کردکوی متعلق به مادر ۳۸ ساله و پسر ۱۳ ساله و جسد کشف‌شده در بندرترکمن نیز متعلق به مادر این بانوی ۳۸ساله است.

پلیس در تحقیقات جامع و شبانه‌روزی به سرنخ‌های مختلفی رسید و درنهایت به فردی با نام «م. ک» ۳۱ ساله ساکن گرگان، مشکوک شد و این فرد را با هماهنگی مرجع قضائی دستگیر کرد. متهم که ابتدا منکر هرگونه جرم و ارتکاب بزهی بود، پس از مواجه‌شدن با دلایل و شواهد علمی و تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی، به قتل این سه فرد به وسیله پسرخاله‌اش به نام «الف. الف» اعتراف کرد. با تحقیقات گسترده مأموران درنهایت قاتل اصلی، «الف. الف»، دستگیر شد و به قتل این سه نفر اعتراف کرد.

متهمان در اعترافات خود انگیزه اصلی انجام این جنایت را سرقت طلاها و به‌دست‌آوردن مال نامشروع عنوان کردند که با سوءاستفاده از اعتماد افراد این خانواده با قتل آنها به هدف مجرمانه خود دست یافتند.

متهمان در بازجویی‌های انجام‌شده، اعتراف کردند زن ۳۸ساله به نام «ب. ص» و پسر ۱۳ساله وی به نام «ع. س» را در جنگل‌های درازنو به قتل رساندند. با توجه به اینکه نیت اصلی متهمان سرقت طلاها و اقلام باارزش این خانواده بود، پس از به‌قتل‌رساندن آنها، طلاهای موجود را به سرقت برده و اجساد را در جنگل رها کردند. قاتلان برای جلوگیری از افشای هویت خود از سوی مادر «ب. ص» (بانوی ۶۱ساله در بندرترکمن)، وی را در منزلش به قتل رساندند. شیوه جنایت نیز به این شکل بود که یکی از متهمان بلافاصله پس از ورود به منزل پیرزن، از پشت سر، دهان او را گرفت و به دلیل آنکه پیرزن دچار بیماری تنفسی آسم بود، بعد از لحظات کوتاهی به دلیل خفگی، جان خود را از دست داد.

قاتل و همدستش پس از خفه‌کردن آخرین نفر از اعضای این خانواده سه‌نفره، وسایل منزل از جمله طلاها، تلویزیون، کامپیوتر، مودم و یک دستگاه خودرو سواری تیبا را به سرقت بردند و طلاها را به مبلغ صد میلیون ریال در شهرستان علی‌آباد کتول فروختند. سرهنگ «علی‌اکبر جاویدان»، فرمانده انتظامی گلستان با تأیید این خبر گفت: مأموران در ادامه تحقیقات موفق به کشف اموال مسروقه، خودرو و همچنین تعدادی از آلات قتاله شامل تبر و چاقو شدند. جاویدان افزود: با تلاش مأموران، بازسازی صحنه جرم صورت گرفت و متهمان پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی تحویل داده شدند.

## قتل دختر خردسال در حاشیه شهر

دختر خردسال اهل میناپولیس به دست هم‌کلاسی پدر به قتل رسید. آلاینا دختر خردسالی است که وقتی از خانه برای بازی با دوستانش بیرون رفت، دیگر بازنگشت. روز یکشنبه خانواده آلاینا که بسیار نگران و بی‌قرار بودند، خبر مفقودی دختر خردسالشان را به پلیس مینیاپولیس دادند و اظهار کردند دخترشان از ظهر که برای بازی با دوستانش رفته، دیگر به خانه برنگشته و کسی هم او را ندیده است. پس از گذشت چند ساعت و جست‌وجو، عروسک دختر خردسال در ۷۵کیلومتری خانه‌اش پیدا شد که ظن پلیس مبنی بر آدم‌ربایی را قوت بخشید. تنها پس از شش ساعت تلاش نیروهای پلیس برای یافتن دختربچه، جسد او در حاشیه شهر در حالی پیدا شد که غرق در خون بود و مرد جوانی نیز کنار او بود. بعد از دستگیری مرد جوان، پدر قربانی در مواجهه با این مرد اظهار آشنایی کرد و او را از دوستان دوره دانشکده‌اش معرفی کرد. مرد جوان که اندرسون نام دارد و به اتهام قتل آلاینا در بازداشت پلیس است، تاکنون اعتراف نکرده است. پلیس مینیاپولیس گفت: تحقیقات پیرامون جزئیات قتل و انگیزه متهم از کشتن دختربچه ادامه دارد و هر اطلاعات جدیدی در اختیار خانواده او نیز قرار خواهد گرفت.

رخداد

## هود آتش به‌پا کرد

● بی‌احتیاطی صاحبخانه در روشن‌گذاشتن هود در شهرک قیامدشت، حادثه آفرید. استشمام بوی شدید دود از خانه همسایه در ساختمان مسکونی، همسایگان را بر آن داشت تا با تماس فوری با سامانه ۱۲۵ این حادثه را اطلاع‌رسانی کنند و ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران ساعت ۱۹:۳۰ عصر یکشنبه زنگ ایستگاه ۶۶ را به صدا درآورد و آتش‌نشانان به‌سرعت به محل حادثه در شهرک قیامدشت، خیابان ولیعصر، کوچه ۱۸ غربی اعزام شدند. اکبر ابراهیم‌زاده، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی به محل حادثه دراین‌باره گفت: با بررسی‌های اولیه معلوم شد در زمان بروز حادثه صاحبخانه در منزل حضور نداشته که آتش‌نشانان به‌سرعت با بازکردن در خانه و قطع برق و گاز وارد ساختمان شدند. وی ادامه داد: آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات فردی و چندین خاموش‌کننده و لوله هوزریل وارد محل آتش‌سوزی شدند که معلوم شد روشن‌ماندن هود و اتصالی آن از قسمت موتور باعث بروز آتش‌سوزی و سرایت آن به کابینت‌ها شده بود. فرمانده آتش‌نشانان خاطرنشان کرد: آتش‌نشانان پس از مهار کامل آتش‌سوزی و جلوگیری از سرایت آن به سایر قسمت‌های آشپزخانه و ایمن‌سازی محل حادثه و تخلیه دود از ساختمان توسط فن فشار مثبت با ارائه تذکرات ایمنی به همسایگان و تحویل ساختمان به عوامل انتظامی حاضر در محل به عملیات خود پایان دادند.

## کشف گوشی‌های قاچاق از داخل کپسول سی‌ان‌جی

● مأموران انتظامی شهرستان میاندوآب از داخل کپسول سی‌ان‌جی یک دستگاه پیکان وانت تعداد زیادی گوشی همراه قاچاق به ارزش یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون ریال کشف کردند. سرهنگ «حسن شیخ‌نژاد»، فرمانده انتظامی «میاندوآب» اظهار کرد: مأموران حین کنترل خودروهای عبوری در ایست بازرسی شهید «محمدنژاد» یک دستگاه خودروی پیکان‌وانت را به ظن حمل کالای قاچاق توقیف کردند. این مقام انتظامی ادامه داد: در بازرسی از خودروی توقیفی، ۱۴۸ دستگاه گوشی همراه قاچاق که به‌طرز ماهرانه‌ای در داخل کپسول سی‌ان‌جی جاسازی شده بود کشف شد؛ برابر اعلام کارشناسان مربوطه، ارزش کالاهای مکشوفه، یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون ریال برآورد شده است. فرمانده انتظامی شهرستان میاندوآب تصریح کرد: در این رابطه دو نفر دستگیر و پس از تشکیل پرونده مقدماتی، برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شدند.

## جاسازی ۳۳۰ کیلو تریاک در یخچال

● معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان اصفهان از کشف ۳۳ بسته تریاک به وزن ۳۳۰ کیلوگرم که در یک یخچال جاسازی شده بود، خبر داد. سرهنگ «جهانگیر کریمی» گفت: در پی دریافت اخباری مبنی بر اینکه یک قاچاقچی حرفه‌ای یک محموله مواد مخدر را وارد شهر «اصفهان» کرده و قصد دارد این محموله را به پایتخت کشور انتقال دهد، بررسی موضوع به صورت فوری و ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی ادامه داد: مأموران با انجام یک‌سری کارهای تخصصی و اقدامات خاص متوجه شدند این محموله در یکی از ترمینال‌های سطح شهر دپو شده و آماده توزیع به شهر «تهران» است. سرهنگ کریمی بیان کرد: پس از هماهنگی با مقام قضائی مأموران وارد عمل شدند و در بازرسی از محل مقدار ۳۳۰ کیلو تریاک را که در ۳۳ بسته و در یخچال جاسازی شده بود، کشف کردند. این مقام انتظامی اضافه کرد: در این خصوص یک متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی تحویل داده شد.

م الف ۱۱۰۹

جمهوری اسلامی ایران
وزارت نیرو
شرکت مادر تخصصی توانیر
شرکت سهامی برق منطقه ای سمنان

(پایگاه اینترنتی برق منطقه ای سمنان (www.semrec.co.ir)،فضایی مناسب برای آگاهی بیشتر و دریافت خدمات الکترونیکی)

**آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای ۹۵/۳۰۲**

شرکت برق منطقه ای سمنان در نظر دارد نسبت به خرید و نصب خار ضد صعود ۱۷۱۳ دستگاه دکل های خطوط انتقال و فوق توزیع استان سمنان را با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و با شماره مناقصه ۲۰۰۹۵۱۰۴۹۰۰۰۰۰۳ به صورت الکترونیکی اقدام نماید.
برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرایند مناقصه شامل پرداخت تضمین شرکت در مناقصه (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت ها، اعلام برنده، واریز وجه سپرده مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. علاقمندان به شرکت در مناقصه می بایست درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه : ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۹۵/۰۶/۰۱
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت : ساعت ۱۵ بعدازظهر روز چهارشنبه مورخ ۹۵/۰۶/۱۷
زمان بازگشایی : ساعت ۱۴:۳۰ بعدازظهر روز شنبه مورخ ۹۵/۰۶/۲۰
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص مناقصه: آدرس: سمنان- بلوار قدس ▫ شرکت برق منطقه ای سمنان ▫ امور تدارکات و قراردادها ▫ تلفن ۳۳۳۴۰۴۸۰-۰۲۳
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز سامانه: -۰۲۱۲۷۳۱۳۱۳۱-دفتر ثبت نام ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

| ردیف | نام خدمات | مقدار | مبلغ سپرده-ریال |
|---|---|---|---|
| ۱ | خرید و نصب خار ضد صعود دکل های خطوط انتقال و فوق توزیع استان سمنان | ۱۷۱۳ دستگاه | ۱۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصدوسیزده میلیون ریال) |

شرکت برق منطقه ای سمنان